

رابطه‌ی علاقه و احترام متقابل با رضایت زناشویی همسران در شهرستان قم

دکتر عصمت دانش
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی
مریم حیدریان
کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت



مرکز تحقیقات کامپوزر علوم اسلامی
چکیده

هدف از این پژوهش تعیین رابطه بین میزان علاقه و احترام متقابل بین همسران و رضایت زناشویی آنان است. ۳۰ زوج که حداقل یکی از آنان دبیر بودند به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از دبیرستان‌های شهرستان قم انتخاب شدند و سه پرسشنامه رضایت زناشویی، احترام به همسر و مقیاس عشق و علاقه را به‌طور همزمان و در شرایط کنترل‌شده تکمیل نمودند. روش پژوهش از نوع همبستگی و پس‌رویدادی است. داده‌ها به روش تحلیل رگرسیون چندمتغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج در سطح ۹۹ درصد اطمینان نشان داد: ۱- همسرانی که از میزان علاقه و احترام بیشتری نسبت به همسرشان برخوردارند رضایت زناشویی بیشتری دارند، ۲- بین میزان احترام و علاقه متقابل همسران همبستگی مثبتی وجود دارد، ۳- همسرانی که احترام بیشتری برای یکدیگر قائل بودند رضایت زناشویی بیشتری داشتند و ۴- بین میزان علاقه و رضایت زناشویی زوجین نیز ارتباط مثبتی به‌دست آمد.

واژه‌های کلیدی: علاقه، احترام، رضایت زناشویی

مقدمه

ازدواج مقدس‌ترین و پیچیده‌ترین رابطه میان دو انسان از دو جنس مخالف است که ابعاد وسیع، عمیق و هدف‌های متعددی دارد. بی‌شک هیچ نابهنجاری عاطفی و اجتماعی که از تأثیر خانواده فارغ باشد وجود ندارد. افلاطون می‌گفت برای آنکه یک جمهوری خوب سازمان یابد، باید قوانین اصلی آن قوانینی باشد که روابط زناشویی را سامان بخشد (به پژوه، ۱۳۸۰).

آغاز زندگی زناشویی به‌رغم وجود جاذبه‌های عاطفی و جنسی‌اش، آغاز تدریجی اختلاف در زمینه‌های مختلف است، ناکامی زوج‌ها در حل اختلاف زناشویی معلول عوامل بی‌شماری است ولی تجارب کلینیکی در مشاوره زوج‌ها بیانگر این واقعیت است که این ناکامی در موارد بسیاری از ناپختگی‌ها یا ضعف مهارت زوج‌ها در حفظ پرورش عشق^(۱) و علاقه^(۲) اوایل آشنایی نشأت می‌گیرد. بسیاری از زوج‌ها صرفاً با عشق به یکدیگر ازدواج می‌کنند ولی پس از آن عمدتاً براساس یادگیری‌ها و همانندسازی‌های مسئله‌دار گذشته به ایفای نقش همسری در زندگی مشترک می‌پردازند نه براساس شناخت و نیازهای روانی یکدیگر (سلطانی فتوت، ۱۳۸۰).

بررسی اثرات متغیرهای علاقه و احترام^(۳) از جهات مختلف حائز اهمیت است، از جمله اینکه نظریه پردازان بزرگ همچون مزلو^(۴)، راجرز^(۵)، راتر^(۶)، ماری^(۷)، اریک فرام^(۸)، هورنای^(۹) و نظایر آنها نیاز به احترام و محبت را از مهمترین نیازهای روانی^(۱۰) انسان برشمرده‌اند (شولتز، ۱۳۷۷).

هنگامی که از کلمه نیاز سخن به میان آید باید به این نکته توجه شود که اگر هر نوع نیازی در انسان چه جسمی و چه روانی برآورد نگردد تعادل جسمی و روانی انسان به هم خواهد خورد چنانکه تیورتوس^(۱۱) نیاز را اینگونه تعریف می‌کند: نیاز کششی در جهت ناهماهنگی و دستیابی به تعادل است (ستوده، ۱۳۷۴).

1. love

3. respect

5. Rogers

7. Mary

9. Horney

11. Tiburtus

2. interest

4. Maslow

6. Rotter

8. Fromm

10. mental needs

در روابط و تعامل بین زوجین، اگر هریک از طرفین نتوانند زمینه ارضاء این دو نیاز را در یکدیگر فراهم آورند نه تنها از روابط خویش لذت نخواهند برد، بلکه زمینه ساز عدم تعادل روانی برای یکدیگر خواهند شد (گلاسر^(۱)، ۱۳۷۹).

دورتنی کارنگی^(۲) در ابتدای کتاب آئین زناشویی خویش چنین می نویسد، پس از مصاحبه با بیش از ۲۰ هزار زوج دریافتم همسرانی که توانسته اند پس از سال ها، علاقه و احترام بین خود و همسرشان را حفظ نمایند از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند (کارنگی، ۱۳۷۶).

بلاچ^(۳) در ارتباط با اهمیت و نقش محبت در روابط زناشویی معتقد است آنچه در ازدواج های پریشان وجود ندارد ابراز محبت و توجه است زن و شوهری که دلیل ابراز خشم خود را درک نمی کنند سرانجام به جایی می رسند که هر دو یا دست کم یکی از آنها احساس می کند که به قدر کافی مورد عشق و محبت همسر خود قرار نگرفته است (بلاچ، ۱۳۷۰).

احترام زن و شوهر به یکدیگر نیز از ضوابط و نکات مهمی است که رعایت آن سبب تحکیم در روابط زناشویی می گردد (سلیمانیان، ۱۳۷۳). در منابع اسلامی نیز بر لزوم محبت و توجه به همسر تأکید شده است. خداوند سبحان در قرآن چنین می فرماید: از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان برای شما زنان و همسران آفرید تا در کنار آنان به سکون و آرامش درآیید و بین شما دوستی و مهربانی قرار داد بدرستی که در این کار نشانه هایی است برای افرادی که اهل تفکر و اندیشه اند (روم / ۲۱).

خداوند در آیه فوق ضمن اینکه آفرینش همسران از نوع انسان را به عنوان یک آیه معرفی می کند خصوصیات رابطه طبیعی، سالم و رشددهنده را بین زوجین تسکین مودت و رحمت می داند. کلمه مودت تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد. در نتیجه نسبت مودت به محبت نسبت خضوع است به خشوع (طباطبایی، ۱۳۷۶). همچنین در این زمینه احادیث ارزشمندی از امام صادق (ع) نقل شده است: محبت ورزیدن به همسر از جمله اوصاف و اخلاق پیامبران است. در جای دیگر می فرماید: هرچه محبت همسر در قلب فرد زیادتیر باشد فضیلت و ایمانش بیشتر است و کسی بر اهل بیت ما مهربان تر است که بر همسر خویش مهربان تر باشد (مظاهری، ۱۳۶۴).

1. Glasser

2. Karengi

3. Blach

تبلور رابطه زن و شوهر را می‌توان در زندگی علی (ع) و فاطمه (س) مشاهده کرد. به طوری که هرگاه دشواری‌ها و مصائب بر امام فشار وارد می‌آورد به خود می‌گفت اینک وقت آن است که به خانه بروم و لحظه‌ای با فاطمه سخن بگویم و آرامش بیابم (قائمی، ۱۳۶۶).

مروری بر تحقیقات پیشین

هوستون^(۱)، نیهیوس^(۲)، اسمیت^(۳) (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای طولی و چالش برانگیز که مدت ۱۳ سال به طول انجامید با مطالعه ۱۶۸ زوج به بررسی ریشه‌های اولیه نارضایتی زناشویی و طلاق در همسران پرداختند. محققین بیان می‌دارند که در اوایل ازدواج یک شادی و مثبت‌نگری در زوجین وجود دارد که پس از مدتی در اثر عدم توافق و برجسته شدن نکات منفی، غم و ناراحتی رشد و توسعه پیدا می‌کند. زوجینی که بتوانند پویایی و روابط عاشقانه اوایل زندگی را تا حدودی حفظ نمایند متأهل باقی می‌مانند. اما همسرانی که امیدشان برای بهبود روابط را از دست می‌دهند پس از مدتی در به تعویق انداختن طلاق از یکدیگر جدا می‌شوند. میشل^(۴) (۱۹۹۱) نیز در پژوهشی که در سه کشور آمریکا، فرانسه و روسیه به منظور بررسی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی انجام داد به این نتیجه رسید که ۷۰٪ تا ۹۰٪ زنان احترام متقابل را مهمترین مسئله رضایت‌مندی می‌دانند.

شلزینگر^(۵) (۱۹۸۲) براساس بازنگری اطلاعات منتشر شده کشور کانادا و آمریکا در ارتباط با رضایت زناشویی در سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۰ و داده‌های به دست آمده از پرسشنامه ۱۲۹ زوج کانادایی که ۱۴ تا ۴۳ سال از زندگی مشترک آنها می‌گذشت بر احترام متقابل، عشق و توجه و وفاداری به عنوان عوامل مهم در ایجاد یک زندگی باثبات تأکید می‌نماید. ساکولسکی^(۶) و هنریک^(۷) (۱۹۹۹) دریافته‌اند که هم برای زنان و هم برای مردان متغیرهای میان فردی عشق پرشور، عشق دوستانه، عشق نوع دوستانه با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارد. بررسی‌های موريسن^(۸) (۲۰۰۰) نیز نشان می‌دهد ارتباط میان فردی همراه با سطح توجه و علاقه بالا با کیفیت روابط زناشویی

1. Huston

2. Niehuis

3. Smith

4. Michel

5. Schlesinger

6. Sokolski

7. Hendrick

8. Morrison

ارتباط مثبت دارد. کب^(۱) و برادبوری^(۲) (۲۰۰۱) نیز در پژوهشی در مورد ۱۷۲ زوج نشان داد که چگونه ادراکات مثبت درباره‌ی علاقه‌مندی همسر باعث بوجود آمدن امنیت عاطفی و رفتارهای حمایتی و رضایت زناشویی می‌شود. در این پژوهش میزان رضایت زناشویی در ۶ ماه اول ازدواج و یک سال بعد اندازه‌گیری شد. نتایج پژوهش نشان داد هنگامی که همسران احساس امنیت عاطفی می‌نمایند عملکرد ارتباطی آنان تقویت شده و رضایت زناشویی آنان افزایش می‌یابد.

هوستون^(۳)، کافلین^(۴)، هتس^(۵)، اسمیت^(۶) (۲۰۰۱) در پژوهشی طولی به بررسی نقش روابط در ۲ سال اول ازدواج و اثرات آن تا ۱۳ سال بعد پرداختند. با این تحقیق که با الگوی داینامیک هماهنگ است، محققان توانستند شدت تغییرات در روابط عاشقانه در ۲ سال اول ازدواج را با میزان خوشحالی و رضایت زوجین بعد از ۱۳ سال و طول مدت زندگی مشترک قبل از جدایی را پیش‌بینی کنند. محققین بیان می‌دارند که حمایت‌های بسیار کمی از این نظریه وجود دارد که احساسات منفی در اوایل ازدواج منجر به شکست زناشویی می‌شود اما در عوض با اعتقاد راسخ می‌توان گفت که این امر نشان‌دهنده‌ی سرخوردگی به عنوان بازتابی از تحلیل عشق و ضعف ابراز عواطف می‌تواند باشد. همچنین باتوجه به نوع روابط در این ۲ سال می‌توان همسرانی که زندگی بادوامی خواهند داشت و همسرانی که در آستانه طلاق قرار خواهند گرفت را تشخیص داد.

علیایی زند (۱۳۶۷) در نمونه‌ای ده هزار نفری به بررسی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی پرداخت و گزارش کرد یکی از عوامل بسیار مهم در میزان رضایت زناشویی همسران، وجود عشق و علاقه بین زوجین است (تختی، ۱۳۸۰). وکیلی (۱۳۶۶) نیز در بررسی رضایت زناشویی همسران بر متغیرهای احترام متقابل و علاقه‌مندی همسران نسبت به یکدیگر تأکید می‌کند.

در این پژوهش نیز باتوجه به اهمیت رضایت زناشویی در تحکیم و بهداشت روانی خانواده این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است که در همسرانی که نیاز آنها به احترام و نیاز به محبت و ابراز علاقه مورد توجه قرار گرفته و یا نگرفته است از چه میزان

1. Cobb

2. Bradbury

3. Huston

4. Caughlin

5. Houts

6. Smith

رضایت زناشویی برخوردارند. به عبارتی آیا می‌توان گفت به هر اندازه که میزان علاقمندی و احترام متقابل همسران نسبت به یکدیگر کاهش و یا افزایش یابد به همان میزان نیز رضایت زناشویی آنان تغییر خواهد یافت.

روش پژوهش

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق دبیران متأهل دبیرستان‌های استان قم در نظر گرفته شد که حداقل یکی از زوجین دبیر باشد و تحصیلات همسر کمتر از دیپلم نباشد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به صورت چند مرحله‌ای استفاده شد. در مرحله اول از بین نواحی چهارگانه آموزش و پرورش استان قم به طور تصادفی ناحیه ۳ آموزش و پرورش انتخاب گردید. سپس از میان دبیرستان‌های این ناحیه که شامل ۵۷ دبیرستان دولتی و غیرانتفاعی بودند. ۵ دبیرستان به طور تصادفی انتخاب گردید. در مرحله بعد از هر دبیرستان ۱۰ دبیر متأهل که حداقل دارای یک فرزند بودند به طور تصادفی انتخاب گردیدند. شرط فرزنددار بودن آزمودنی‌ها به این دلیل اعمال شد که چون بعضی از سؤالات پرسشنامه رضایت زناشویی در رابطه با تفاهم همسران در رابطه با امور فرزندان می‌باشد از دبیران متأهلی دعوت به همکاری شد که دارای حداقل یک فرزند باشند. در نهایت به علت افت آزمودنی‌ها که به دلایل مختلف اتفاق افتاد، ۳۰ زوج نمونه آماری تحقیق را تشکیل داد. مشخصات جمعیت شناختی نمونه آماری با توجه به اطلاعات اخذ شده از پرسشنامه‌ها به صورت زیر به دست آمد: دامنه سنی آزمودنی‌ها بین ۲۳ تا ۴۷ سال و طول مدت ازدواج آنها بین ۳ تا ۱۷ سال گزارش شد آزمودنی‌ها دارای حداقل ۱ و حداکثر ۳ فرزند بودند. همچنین میزان تحصیلات همسران بین حداقل دیپلم و حداکثر کارشناسی ارشد گزارش شد.

ابزارهای اندازه‌گیری متغیرها

در این پژوهش برای اندازه‌گیری متغیرها از ۳ پرسشنامه استفاده شد: ۱- پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ۲- پرسشنامه احترام به همسر ۳- مقیاس عشق و علاقه.

الف) پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ

این پرسشنامه به عنوان ابزار تحقیق معتبری در تحقیقات متعدد برای اندازه گیری رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است. به اعتقاد اولسون^(۱) که از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نمود و معتقد است که این مقیاس به تغییراتی که در طول دوره حیات آدمی رخ می دهد و همچنین در این خصوص به تغییراتی که در خانواده بوجود می آید حساس است. هریک از موضوع های این پرسشنامه در ارتباط با یکی از زمینه های مهم است. ارزیابی این زمینه ها در درون رابطه زناشویی می تواند مشکلات بالقوه زوج ها را توصیف کند یا می تواند زمینه های نیرومندی و تقویت آنها را مشخص نماید. این ابزار همچنین می تواند به عنوان ابزاری تشخیص برای زوج هایی که در جستجوی مشاوره زناشویی و به دنبال تقویت رابطه زناشویی شان هستند استفاده شود. اولسون و دیگران اعتبار این پرسشنامه را با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده اند.

در ایران نیز سلیمانیان در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی بر نارضایتی زناشویی» پس از ترجمه و تعیین روایی محتوایی پرسشنامه، آن را در مورد یک گروه ۱۱ نفری اجرا و ضریب اعتبار آن از طریق ضریب آلفا محاسبه کرد که ۰/۹۳ بود. باتوجه به زیاد بودن سؤال های پرسشنامه (۱۱۵ سؤال) که موجب خستگی بیش از اندازه آزمودنی ها می شد، فرم کوتاهی از آن تهیه شد. برای این منظور ابتدا همبستگی هریک از سؤالات با کل پرسشنامه از طریق ضریب همبستگی محاسبه گردید. سپس ۴۷ سؤال که از همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بودند انتخاب شدند. این انتخاب به طور مساوی از مقیاس های مختلف پرسشنامه صورت گرفت و بدین ترتیب در مجموع ۴۷ سؤال انتخاب شد که مجدداً ضریب اعتبار فرم ۴۷ سؤالی در مورد یک گروه ۱۱ نفری با استفاده از ضریب آلفا محاسبه گردید که ضریب اعتبار ۰/۹۵ بدست آمد (سلیمانیان، ۱۳۷۳).

در این پژوهش برای این پرسشنامه برگه ای به عنوان راهنما و برگه ای جهت توجیه و دریافت مشخصات مورد نیاز آزمودنی ها در نظر گرفته شد. در برگه توجیه خانواده ها نکاتی درخصوص اهمیت و ضرورت دستیابی به ویژگی های همسران در جوامع و

1. Olson

توصیه به پاسخگویی واقع‌بینانه و از روی صداقت و همچنین اطمینان دادن به آنها در مورد محرمانه ماندن اطلاعات بیان‌شده و در برگه راهنما نیز به نحوه پاسخگویی و اظهارنظر در مورد جملات بیان‌شده بود در پرسشنامه اشاره شده بود. پرسشنامه به صورت پنج گزینه‌ای (که در اصل نگرش‌سنجی از نوع لیکرت است) در نظر گرفته شده است که به هر گزینه آن از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود.

ب) پرسشنامه احترام به همسر

پرسشنامه یک مقیاس محقق ساخته است. این آزمون میزان احترامی را که افراد برای همسر خویش قائل‌اند اندازه‌گیری می‌نماید. این پرسشنامه براساس عوامل زیر ساخته شده است:

ارزش قائل شدن برای: ۱- صحبت‌ها ۲- افکار ۳- نیازهای جسمانی ۴- نیازهای روانی ۵- حساسیت‌های روانی ۶- غم‌ها و شادی‌ها ۷- وسایل و اشیاء مربوطه ۸- محرمانه رفتار کردن با همسر ۹- افکار و احساسات درونی مبنی بر احترام یا عدم احترام نسبت به همسر. به منظور تمایز احترام قائل شدن از روی اجبار و ترس و احترام گذاشتن از روی رضایت قلبی برخی از سوالات به دو قسمت الف و ب تقسیم گردید، تا میزان فراوانی هر نوع احترام سنجیده شود.

برای تعیین روایی پرسشنامه احترام به همسر، سوالات این آزمون تهیه، بارها مورد تجدیدنظر قرار گرفت. سپس برای تعیین و رفع نکات مبهم احتمالی در پرسشنامه از تعدادی از زوج‌ها (بجز آزمودنی‌ها) خواسته شد که پرسشنامه تکمیل و نکات مبهم را بیان نمایند. پس از اصلاحات لازم روایی محتوایی آزمون از سوی مؤلف اول مقاله حاضر و چند تن از اساتید دیگر (دکتر حیدرعلی هومن، دکتر هادی بهرامی، دکتر غلامرضا نفیسی، دکتر حسین رضابخش)، مورد مطالعه قرار گرفت و مناسب تشخیص داده شد و مورد تأیید قرار گرفت.

در مرحله بعد برای تعیین اعتبار، با استفاده از طرح پیش‌آزمایشی^(۱) پرسشنامه در مورد یک گروه ۱۶ نفری که شامل ۸ نفر زن و ۸ نفر مرد بود اجرا گردید و ضریب پایایی و آلفای کرونباخ محاسبه شده ۰/۹۷ گردید. پرسشنامه به صورت ۵ گزینه‌ای و در اصل

نگرش سنجی از نوع لیکرت است و به هر گزینه آن از ۱ تا ۵ امتیاز داده می‌شود. نمره ۲۳۵ حداکثر نمره‌ای است که هر فرد در این مقیاس می‌تواند بیاورد.

ج) مقیاس عشق و علاقه

در تنظیم این پرسشنامه از سؤالات دو پرسشنامه مختلف استفاده شده است. پرسشنامه مقیاس عشق که در دانشگاه نورس استرن بوستون^(۱) تهیه شده است، و آزمون ارزیابی میزان علاقه همسر که توسط بارون^(۲) و رابرت^(۳) (۱۹۹۲) ساخته شده است (دژکام، ۱۳۸۰).

به دلیل مناسب نبودن پاره‌ای از مواد پرسشنامه‌ها با اهداف تحقیق مؤلفین مقاله حاضر به اتفاق چند نفر از اساتید دیگر، از هر پرسشنامه تعدادی سؤال اقتباس کردند و پرسشنامه تدوین گردید.

برای تعیین روایی پرسشنامه مقیاس عشق، پس از تغییرات مختصر در بعضی از سؤالات (به دلیل عدم تناسب فرهنگی) روایی محتوایی پرسشنامه، از سوی مؤلف اول مقاله حاضر و چند صاحب‌نظر دیگر (دکتر حیدرعلی هومن، دکتر هادی بهرامی، دکتر غلامرضا نفیسی، دکتر حسین رضابخش)، مورد مطالعه قرار گرفت و مناسب تشخیص داده شد و مورد تأیید قرار گرفت.

این اعتبار پرسشنامه نیز، با استفاده از طرح پیش‌آزمایشی پرسشنامه در مورد یک گروه ۱۶ نفری از زنان و مردان اجرا گردید و آلفای کرونباخ آن ۰/۹۸ بدست آمد. پرسشنامه به صورت ۵ گزینه‌ای است، و در واقع نگرش سنجی از نوع لیکرت است. حداقل نمره آزمودنی در هر سؤال ۵ و حداکثر نمره از کل پرسشنامه ۷۵ امتیاز است.

روش جمع‌آوری داده‌ها

پرسشنامه‌های رضایت زناشویی، احترام به همسر و مقیاس عشق و علاقه در اختیار هر آزمودنی که تمایل به پاسخگویی داشت، قرار گرفت تا تکمیل نماید. به منظور اطمینان نسبی از سلامت روانی آزمودنی‌ها مصاحبه کوتاهی با هریک از آنها برای بررسی وضعیت روانی آنان (سؤال در مورد سابقه مراجعه به روانپزشک و غیره) انجام شد.

1. Northa Stern boston

2. Baron

3. Robort

طرح پژوهش و روش‌های آماری

این پژوهش را از نظر هدف می‌توان جزء تحقیقاتی کاربردی محسوب کرد. از نظر میزان کنترل محقق بر متغیرهای تحقیق از نوع تحقیق‌های غیرآزمایشی است، و در واقع یک تحقیق از نوع همبستگی^(۱) و همچنین پس‌رویدادی^(۲) است. در این تحقیق سه متغیر عمده وجود دارد متغیرهای علاقه، احترام به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده و متغیر رضایت زناشویی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. هر آزمودنی در سه متغیر علاقه، احترام و رضایت زناشویی مورد سنجش قرار گرفت. در این پژوهش از روش‌های آماری محاسبه میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون دو و چند متغیری، آزمون F، و رسم نمودار استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

به منظور پیش‌بینی میزان رضایت زناشویی از روی میزان متغیرهای احترام و علاقه بین همسران رابطه این متغیرها ابتدا در همسران (کل) و سپس به تفکیک جنسیت مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

جدول ۱- یافته‌های توصیفی متغیرهای رضایت زناشویی علاقه و احترام برای همسران (کل) و به تفکیک جنسیت

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	حداقل نمره	حداکثر نمره
رضایت	۳۰	۱۸۹/۳۳	۲۵/۳۶	۴/۶۳	۱۲۲	۲۳۳
	۳۰	۱۸۰/۸۰	۲۱/۴۵	۵/۷۴	۱۱۷	۲۳۴
	۶۰	۱۸۵/۰۷	۲۸/۶۵	۲/۷۰	۱۱۷	۲۳۴
احترام	۳۰	۱۵۰/۳۰	۱۲/۹۵	۲/۳۶	۱۱۰	۱۶۵
	۳۰	۱۴۷/۸۳	۱۶/۳۵	۲/۹۷	۱۱۰	۱۶۵
	۶۰	۱۴۹/۰۷	۱۴/۶۲	۱/۸۹	۱۱۰	۱۶۵
علاقه	۳۰	۷۰/۷۳	۵/۱۹	۰/۹۵	۵۳	۷۵
	۳۰	۶۸/۷۰	۶/۹۶	۱/۳۷	۵۰	۷۵
	۶۰	۷۹/۷۲	۶/۱۷	۰/۸۰	۵۰	۷۵

1. correlation

2. expose-facato

همانطور که داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد میانگین رضایت زناشویی در گروه زنان بیش از مردان و همسران می‌باشد. زنان (۱۸۹/۳۳)، مردان (۱۸۰/۸۰)، همسران (۱۸۵/۰۷)، اما انحراف معیار نمرات در گروه مردان بیشتر است. میانگین احترام در گروه زنان بیشتر است؛ زنان (۱۵۰/۳۰)، مردان (۱۴۷/۸۳)، همسران (۱۴۹/۰۷). در متغیر علاقه نیز زنان میانگین بیشتری دارند. زنان (۷۰/۷۳)، مردان (۶۸/۷۰) همسران (۷۹/۷۲). انحراف معیار نمره‌ها در علاقه و احترام در گروه مردان بیش از دو گروه دیگر است.

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین متغیرها

جنسیت	زنان			مردان			همسران (کل)		
	رضایت زناشویی	احترام	علاقه	رضایت زناشویی	احترام	علاقه	رضایت زناشویی	احترام	علاقه
رضایت زناشویی	$r=1/000$	$r=0/59$	$r=0/70$	$r=1/000$	$r=0/70$	$r=0/66$	$r=1/000$	$r=0/66$	$r=0/66$
	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$
احترام	$r=1/000$	$r=0/43$	$r=0/85$	$r=1/000$	$r=0/85$	$r=0/70$	$r=1/000$	$r=0/70$	$r=0/70$
	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$
علاقه	$r=0/41$	$r=1/000$	$r=0/66$	$r=0/66$	$r=1/000$	$r=0/57$	$r=1/000$	$r=1/000$	$r=1/000$
	$p=0/011$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$	$P<0/0001$

در جدول شماره ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرها نمایش داده شده است. ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیرهای علاقه و احترام در هر ۳ گروه ارتباط معناداری وجود دارد. این همبستگی در گروه مردان از دو گروه دیگر بیشتر است. زنان ($P<0/0001$ ، $r=0/43$ ، مردان ($r=0/85$ ، $P<0/0001$ ، همسران ($r=0/70$ ، $P<0/0001$).

رضایت زناشویی با احترام نیز در هر سه گروه ارتباط مثبت معناداری را نشان می‌دهند در اینجا نیز ضرایب همبستگی به دست آمده در گروه مردان بیشتر از دو گروه دیگر است. زنان ($r=0/59$ ، $P<0/0001$ ، مردان ($r=0/70$ ، $P<0/0001$ ، همسران ($r=0/66$ ، $P<0/0001$). بین متغیرهای علاقه و رضایت زناشویی ارتباط مثبت معناداری مشاهده شد. زنان ($r=0/41$ ، $P<0/011$ ، مردان ($r=0/66$ ، $P<0/0001$ ، همسران ($r=0/57$ ، $P<0/0001$).

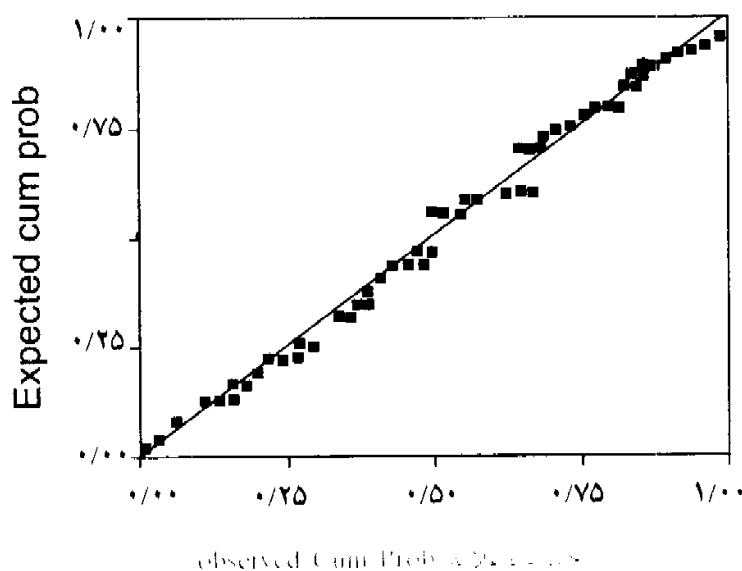
جدول ۳- نتایج تحلیل و رگرسیون و آزمون معناداری بین متغیرهای احترام، علاقه به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده و رضایت زناشویی به عنوان متغیر ملاک در گروه زنان، مردان و همسران (کل)

N	df2	df1	P	F	β	R ²	R
۳۰	۲۷	۲	۰/۰۰۱	۸۵۴	احترام ۰/۵۱ علاقه ۰/۱۹	۰/۳۸	۰/۶۲
۳۰	۲۷	۲	۰/۰۰۰۱	۱۴۱۸	احترام ۰/۵۲ علاقه ۰/۲۰	۰/۵۱	۰/۷۱
۶۰	۵۷	۲	۰/۰۰۰۱	۲۵۲	احترام ۰/۵۱ علاقه ۰/۲۱	۰/۴۷	۰/۶۸

رضایت: Dependent Variable

در جدول شماره ۳ نتایج تحلیل رگرسیون سه متغیری بین علاقه، به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده و متغیر رضایت زناشویی به عنوان متغیر وابسته نشان داده شده است. همانطور که داده‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد R بدست آمده در هر سه گروه معنادار می‌باشد. زنان ($R=0/62$)، مردان ($R=0/71$)، همسران ($R=0/68$).

در گروه زنان $0/38$ ، در مردان $0/51$ و در همسران $0/47$ تغییرات میزان رضایت زناشویی در اثر میزان متغیرهای علاقه و احترام می‌باشد. به منظور آزمون معناداری R بدست آمده از آزمون t استفاده شد که معناداری R در هر سه گروه مورد تأیید آماری قرار گرفت. نمودار ۱ نیز نشان می‌دهد که بین متغیرهای احترام، علاقه و رضایت زناشویی در همسران همبستگی خطی معناداری وجود دارد.



نمودار ۱- همبستگی مثبت بین متغیرهای احترام، علاقه و رضایت زناشویی

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش دو نیاز روانی مهم در انسان (نیاز به محبت و نیاز به احترام) در روابط بین همسران و اثرات برآورده شدن و نشدن این دو نیاز بر میزان رضایت زناشویی زوجین مورد بررسی قرار گرفت. هدف اساسی تحقیق پاسخگویی به این سؤال بود که میزان علاقه و احترام متقابل همسران نسبت به یکدیگر بر رضایت زناشویی آنان مؤثر است. یافته‌های پژوهش به‌طور معناداری نشان داد که متغیرهای علاقه و احترام نسبت به همسر شاخص مناسبی برای پیش‌بینی میزان رضایت زناشویی است. این یافته با مطالعات، شلزینگر (۱۹۸۲)، موریسون (۲۰۰۰)، لوینسون و گاتمن (۱۹۸۵)، میشل، (۱۹۹۱)، ساکولسکی و هنریک (۱۹۹۹)، کب و برادبوری (۲۰۰۱)، هوستون و همکاران (۲۰۰۱)، و همچنین در تحقیقات داخلی با پژوهشی وکیلی (۱۳۶۶) و علیایی زند همسو می‌باشد.

نتایج پژوهش و داده‌های جداول نشان می‌دهد که زنان رضایت زناشویی بیشتری نسبت به مردان دارند در صورتی که یافته‌های مارلو^(۱) و همستروم^(۲) (۱۹۹۶) نشان داد که میزان رضایت زناشویی مردان از زنان بیشتر است، محققین در تبیین این یافته چنین عنوان می‌کنند که بالا بودن میزان رضایت زناشویی در مردان می‌تواند به این علت باشد که ازدواج برای مردان در اغلب موارد مواضع مسلطی را در خانه ایجاد می‌کند، آنان به‌عنوان یک کفیل عمل کرده و این ساختار قدرت احتمالاً باعث برخی نارضایتی‌ها در زنان است. ساچر^(۳) و فاین^(۴) (۱۹۹۷) علت این امر را تلاش بیشتر زنان برای حفظ نگهداری رابطه می‌دانند (به نقل از لاسول^(۵)، ۱۹۹۹). یکی از دلایل مغایر بودن نتایج این پژوهش با یافته‌های محققین فوق را می‌توان بدین علت دانست که چون اغلب نمونه‌های آماری در گروه زنان را دبیران تشکیل می‌داد، اشتغال زنان به دلیل اینکه وقت و فرصت کمتری را برای گذراندن با خانواده و رسیدگی به امور منزل را برای آنان باقی می‌گذارد. این امر احتمالاً بر کاهش میزان رضایت زناشویی همسرانشان مؤثر بوده

1. Marlow
3. Sacher
5. Lasswell

2. Hamestrom
4. Fine

است. زیرا یافته‌های بارک^(۱) و ویر^(۲) نیز نشان می‌دهد که شوهران زنان شاغل در زندگی زناشویی نسبت به شوهران زنان غیرشاغل رضایت کمتری دارند (بارلینگ^(۳)، ۱۹۹۱). بنابراین ویژگی‌های نمونه آماری تحقیق را یکی از دلایل این مغایرت می‌توان عنوان نمود. با نگاهی دقیق به تحقیقات و کتب منتشر شده در زمینه‌های رضایت زناشویی در می‌یابیم که در این تحقیقات و تألیفات ارتباط متغیرهایی همچون شرایط سنی، وضعیت اقتصادی، وضعیت فرهنگی، خطاهای شناختی، ارتباط مؤثر، تیپ‌های شخصیتی،... با رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گرفته است.

مکانیسم اثرگذاری این متغیرها در روابط بوسیله ایجاد احساسات مطلوب و یا نامطلوب در شخص مقابل است. شدت، میزان و دوام این احساسات بر علاقه‌مندی و ارزشی که افراد برای یکدیگر قائل می‌باشند اثرگذار می‌باشد در واقع انسان‌ها در تعاملات خویش به اشخاصی علاقه‌مند می‌شوند که در آنها احساسات مطلوبی ایجاد نمایند زوجینی که به کرات خواسته و ناخواسته موجبات رنجش یکدیگر را به انواع و انحاء مختلف فراهم می‌آورد و به واقع به میزان علاقه و احترام متقابل خود آسیب وارد می‌کنند. چنانکه بک^(۴) (۱۳۷۹) نیز می‌گوید: رشته‌های عشق و علاقه همسران احتیاج به پاسداری و محافظت دارد. دژکام (۱۳۸۰) چنین بیان می‌دارد که اگر وجود عشق در زندگی زناشویی لازم به نظر می‌رسد حفظ و تداوم آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. عشق به تنهایی اغلب ضعیف‌تر از آن است که بتواند در مقابل نیروها و دلخوری‌ها دوام بیاورد. کاهش علاقه و احترام همانطور که نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد موجبات نارضایتی زناشویی در همسران را فراهم می‌آورد. این مطلب بوسیله یک مدل فرضی نمایش داده شده است البته صحت و درستی این مدل احتیاج به تحقیقات و پژوهشهای بیشتری دارد. پژوهشگرانی که به موضوعات روانشناسی اجتماعی علاقه‌مند می‌باشند، تحقیقات جالبی را می‌توانند در این زمینه به انجام رسانند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان از میزان احترام، علاقه و رضایت زناشویی بیشتری نسبت به مردان برخوردارند. اما با نگاهی به ضرایب همبستگی این متغیرها در گروه زنان، مردان و همسران، مشاهده می‌کنیم که مقادیر ضریب همبستگی در گروه زنان در مقایسه با مردان کمتر می‌باشد.

1. Burk

2. Weir

3. Barling

4. Beck

این موضوع دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد. در عین حال یکی از دلایل این امر می‌تواند این باشد که مردان کمتر از زنان اطلاعات خصوصی خود را فاش می‌سازند. (نافیه^(۱) و اسمیت، ۱۹۸۴). همچنین یافته‌های گریگسبی^(۲) و ودرلی^(۳) (۱۹۸۳) نشان می‌دهد که زن‌ها تمایل دارند که بیشتر درباره‌ی مسایل شخصی و احساسات خود صحبت کنند ولی مردها بیشتر در رابطه با صفات، کار و عقاید خویش خودافشایی می‌کنند. یکی از دلایل کمتر شدن ضرایب همبستگی در گروه زنان بدین علت است که انحراف معیار نمره‌ها در گروه زنان کمتر از دو گروه دیگر می‌باشد و این امر نشان‌دهنده یکدست بودن گروه می‌باشد که طبق قوانین آماری موجب پایین آمدن ضرایب همبستگی گشته است.

مدل فرضی مؤلفان مقاله در رابطه با رضایتمندی زناشویی



خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: آنها لباس شمایند و شما لباس آنها. در این آیه خداوند همسران را نسبت به یکدیگر به لباس تشبیه نموده است و چنانکه علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید «ظاهراً از کلمه لباس معنای معروفش در نظر است یعنی جامه‌ای که بدن آدمی را می‌پوشاند (طباطبایی، ۱۳۶۷). از این تشبیه برداشت‌های

1. Naifeh
3. Weatherley

2. Grigsby

بسیار ارزشمندی می توان نمود. از جمله اینکه لباس باید در شأن و موقعیت انسان باشد. لباس باید برازنده باشد. عیب پوش باشد. انسان با لباس احساس امنیت و آرامش نماید. اگر انسان به لباس خویش علاقمند باشد و برای لباس ارزش قائل باشد در حفظ و نگهداری آن نیز خواهد کوشید. بنابراین با توجه به آیه فوق همسران نیز برای یکدیگر باید چنین ویژگی هایی داشته باشند.

شاید تعجب آور باشد اما ایران چهارمین کشور جهان به جهت آمار طلاق است (کیهان‌نیا، ۱۳۷۵). با توجه به اینکه یکی از تبعات نارضایتی زناشویی در خانواده پدیده طلاق است که اثرات شوم آن بر هیچ اندیشمندی پوشیده نیست، بنابراین لازم است پیش از پیش محققان و متفکرین مسائل اجتماعی در این زمینه تحقیقات بیشتر و کاربردی تری به انجام برسانند.

دو نتیجه بسیار مهمی که از نتایج این پژوهش بدست می آید و می تواند جنبه کاربردی در جامعه داشته باشد این است که به جوانان در آستانه ازدواج، لازم است توصیه شود همسری را انتخاب نمایند که مورد علاقه آنان بوده و شخصیت همسر نیز از نظر آنان قابل احترام و ارزشمند باشد و مهم تر اینکه با مطالعه و یادگیری کسب دانش کافی درباره مهارت های زناشویی بتوانند عشق و احترام متقابل را در طول زندگی حفظ نمایند. همچنین لازم است به زوجینی که دچار مشکلات زناشویی می باشند کمک شود تا با شناخت بیشتر نسبت به همسرشان و کسب مهارت های کاربردی به ویژه در زمینه ایجاد محبت و احترام بیشتر پایه های زندگی مشترک را مستحکم تر نمایند، تا به یاری خداوند از این رهگذر بتوانیم به بهداشت روانی خانواده کمک نموده و از بسیاری از طلاق های خانمان سوز جلوگیری نماییم.

منابع

- به پژوه، ا. (۱۳۸۰). عوامل مؤثر در ازدواج موفق. نشریه پیوند، ویژه تابستان.
 بک، آ.تی. (۱۳۷۹). عشق هرگز کافی نیست. ترجمه قراچه داغی، م. تهران: نشر پیکان.
 بلاچ، س. (۱۳۷۰). مقدمه ای بر روان درمانی، نظریه ها و روش های رایج. ترجمه قراچه داغی، م. تهران: انتشارات رشد.

- تختی، م. (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه باورهای غیرمنطقی و رضامندی زناشویی زوجین شاغل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهراء.
- دژکام، م.ر. (۱۳۸۰). روانشناسی زناشویی. تهران: انتشارات کتاب امروز.
- ستوده، ه. (۱۳۷۴). درآمدی بر روانشناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
- سلطانی فتوت، د. (۱۳۸۰). توصیه‌هایی برای تقویت عشق و صمیمیت در میان همسران. نشریه پیوند.
- سلیمانیان، ع.ا. (۱۳۷۳). بررسی رابطه باورهای غیرمنطقی با رضامندی زناشویی در دانشجویان متأهل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.
- شولتز، د. (۱۳۷۷). نظریه‌های شخصیت. ترجمه کریمی، ی.؛ جمهری، ف.؛ نقشبندی، س.؛ گودرزی، ب.؛ بحیرایی، ه.؛ نیکخو، م. تهران: انتشارات ارسباران.
- طباطبایی، م.ح. (۱۳۶۷). تفسیر المیزان. جلد ۲۳. قم: انتشارات دارالعلم.
- قائمی، ع. (۱۳۶۶). خانواده و مسائل همسران جوان. تهران: انتشارات امیری.
- کارنگی، د. (۱۳۶۷). آئین زناشویی. ترجمه سمرقندی، ف. تهران: انتشارات نیلوفر.
- کیهان‌نیا، ا. (۱۳۷۵). زن امروز، مرد دیروز، تحلیلی بر اختلافات زناشویی. تهران: انتشارات روشنفکران.
- گلاسر، و. (۱۳۷۹). واقعیت درمانی. ترجمه هوشمند و بیژن، م. تهران: انتشارات خجسته.
- مظاهری، ح. (۱۳۷۴). سلسله درس‌های اخلاق، خانواده در اسلام. قم: انتشارات مشفق.
- وکیلی، ا. (۱۳۶۶). بررسی عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی زنان شاغل از زندگی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی.

Barling, J. (1991). Effects of husbands work experiences on wives marital satisfaction. *Journal of Social Psychology*, 124, 219-225.

Cobb, R.J.; Dravil, J. & Bradbury, T.N. (2001). Attachment security and marital satisfaction: The role of positive perceptions and social support. *Personality & Social Psychology Bulletin*. 45, 172-185.

Grigsby, J. & weatherley, D. (1983). Gender and sex-role differences in intimacy of self-disclosure. *Psychological Reports*, 53, 891-897.

- Huston, T.; Niehuis, S. & Smith, Sh.E. (2001). The early marital roots of conjugal distress and divorce. *Current Directions in Psychological Science*, 10(4), 116-119.
- Huston, T.L.; Caughlin, J.P.; Houts, R.M. & Smith, Sh.E. (2001). The connubial crucible: Newlywed years as predictors of Marital delight. Distress and divorce. *Journal of Personality & Social Psychology*, 80(2), 232-252.
- Lasswell, T. (1999). Marital relation and Marital satisfaction. *Journal of Comtemparty Family Therapy*, 16(6), 524-537.
- Lavinson, A. & Gottman, D. (1985). Interactions marital and marital satisfaction. *Journal of Marriage and the Family*, 43(3), 263-274.
- Michel, A. (1991). Mutual Respect and marital satisfaction. *Journal of Marriage and the Family*, 32(1), 41-50.
- Morrison, D. Ruane. (2000). Communication skill and marital satisfaction. *Journal of Marriage and the Family*, 23(3), 25-37.
- Naifen, S. & Smith, G. (1984). *Why can't men open Up?* Clarkson. Potter: New York.
- Schlesinger, B.J. (1982). Lasting marriage in the 1980,s con ciliation equrts Review. *Jouranal of Social Psychology*, 20(1), 43-49,
- Sokolski, G.A. Hendrick, A. (1999). Fostering marital satisfaction. *Journal of Family Therapy*, 29(4), 366-378.
- Tuker, M.W. & Ogrady, K.E. (1991). Effects of physical attractiveness, intellingence, age at marriage and cohabitation on the perception of marital satisfaction. *Journal of Social Psychology*, 131(2), 253-269.